

Research Article

Marital conflicts and basic needs: The mediating role of spirituality

Authors

Kobra Ghasemi Moghaddam¹, Abdullah Shafi'abadi^{2*}, Asghar Sharifi³

1. PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Full Professor, Department of Counseling, Allameh Tabatabaie University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

Receive Date:
01/09/2019

Accept Date:
15/03/2020

Introduction: The purpose of the present study was to develop and test a model for explaining marital conflict based on basic needs in choice theory through the mediating role of spirituality

Method: To this aim, a study based on correlational research model of structural equation modeling (path analysis) was conducted. A sample of 172 students of Islamic Azad University (131 females, 41 males) were selected by cluster sampling method and within each cluster through purposive sampling method. Each subject answered the Marital Conflict Questionnaire (MCQ), Glasser's Basic Needs (Sahebi's Basic Needs Compatibility Test) and Spirituality. SPSS-22, statistical software, was used for data processing.

Results: The results showed that there is a significant positive relationship between the satisfaction of basic needs and spirituality and a significant negative relationship between spirituality and marital conflicts. The correlation between marital conflicts with the need for love and belonging and the need for entertainment is also negative and significant. The correlation between the five basic needs is all positive and meaningful; The results also showed that spirituality plays a mediating role in the relationship between conflicts and the need for survival, freedom and power.

Discussion and conclusion: The final model for explaining the relationship between basic needs and marital conflicts through the spirituality variable includes the three needs of survival, freedom, and power, and the two needs of love / belonging and the need for entertainment have been omitted. At the same time, 5% of the variance of marital conflicts and 23% of the variance of spirituality can be explained based on Glasser's basic needs.

Keywords

Marital conflicts, Marital adjustment, Spirituality, Basic needs, Choice theory

Corresponding Author's E-mail

ashafiabady@yahoo.com

This article is extracted from the PhD dissertation of the first author.

تعارضات زناشویی و نیازهای اساسی: نقش میانجی معنویت

نویسندگان

کبری قاسمی مقدم^۱، عبدالله شفیع آبادی^{۲*}، اصغر شریفی^۳

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، گروه مشاوره، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۲. استاد تمام، گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر تدوین و آزمون مدل تبیین تعارضات زناشویی بر پایه نیازهای اساسی در نظریه انتخاب از طریق نقش میانجی معنویت بود.

روش: به این منظور مطالعه‌ای براساس طرح پژوهش همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) با استفاده از نمونه‌ای به حجم ۱۷۲ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۱ زن، ۴۱ مرد) که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و در داخل هر خوشه با استفاده از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، انتخاب شده بودند، طراحی و طی آن، هر آزمودنی به پرسشنامه‌های تعارضات زناشویی، نیازهای اساسی گلاسر (آزمون سازگاری نیازهای اساسی صاحبی) و معنویت پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار آماري «اس. پی. اس. اس. - ۲۲» پردازش شد.

نتایج: یافته‌ها نشان داد که میان میزان ارضاء‌شدگی نیازهای اساسی و معنویت رابطه مثبت معنادار و میان معنویت و تعارضات زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همبستگی میان تعارضات زناشویی با نیاز به عشق و تعلق خاطر و نیاز به تفریح نیز منفی و معنادار است. همبستگی میان پنج نیاز اساسی همگی مثبت و معنادار است؛ همچنین نتایج نشان داد معنویت در رابطه میان نیاز به بقاء، آزادی و قدرت با تعارضات نقش میانجی را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: مدل نهایی برای تبیین رابطه بین نیازهای اساسی و تعارضات زناشویی به واسطه متغیر معنویت شامل سه نیاز بقاء، آزادی و قدرت است و دو نیاز عشق / تعلق و نیاز به تفریح از آن حذف شده است. در عین حال ۵ درصد از واریانس تعارضات زناشویی و ۲۳ درصد از واریانس معنویت بر اساس نیازهای اساسی گلاسر قابل تبیین است.

تاریخ دریافت:

۱۳۹۸/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش:

۱۳۹۸/۱۲/۲۵

کلیدواژه‌ها

تعارضات زناشویی، سازگاری زناشویی، معنویت، نیازهای اساسی گلاسر، نظریه انتخاب.

نشانی پست

الکترونیکی

نویسنده مسئول

ashafiabady@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول است.

مقدمه

خانواده بنیادی ترین واحد تشکیل دهنده جامعه [۱] و ارتباط زناشویی - حداقل در خانواده های هسته ای - ساختار مرکزی این واحد بنیادین محسوب می شود. بدیهی است که سالم و یا ناسالم بودن این هسته مرکزی، در چهارچوب یک دیدگاه سیستمی می تواند تمام سطوح جامعه را تحت تاثیر قرار دهد [۱].

تعارض های زناشویی به عنوان حاصل اختلاف نظر زوج ها در زمینه اهداف شخصی، انگیزه ها، ارزش ها و یا اولویت های رفتاری [۲،۳]، امری اجتناب ناپذیر و طبیعی تلقی می شود و به گونه معمول زمانی اتفاق می افتد که عدم توافق، ناسازگاری و یا بی تفاوتی بین زوج ها وجود داشته باشد [۴،۵]. با وجود این، روش رو به رو شدن با آن، بیش از مفاهیم و عوامل ایجادکننده آن، می تواند تاثیر تعارض بر رابطه را تعیین کند. در صورتی که تعارض به خوبی مدیریت شود، با رشد و توانمندی همراه است [۶] و در صورت مدیریت ناکارآمد آن، زوج ها محکوم به تحمل رابطه های دلسرد کننده خواهند بود [۵،۶] و آن ها را به سمت تغییر رفتار و ازدواج را به سمت بد کارکردی هدایت می کند [۷]؛ برای نمونه وجود تعارض میان پدر و مادر بر روابط عاشقانه فرزندان در سال های آینده تاثیر می گذارد [۸].

بر اساس رویکرد های نظری مختلف، تبیین های متفاوتی در مورد سبب شناسی تعارض های زناشویی ارائه شده اند. یکی از این تبیین های جامع، بر گرفته از آراء ویلیام گلاسر^۱ است که بر اساس نظریه انتخاب [۹ و ۱۰] ارائه کرد. بر این اساس، تعارض های زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته ها، طرحواره های رفتاری و رفتار غیرمسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است. او معتقد است همه انسان ها با پنج نیاز ژنتیکی - نیاز به عشق و تعلق^۲، آزادی^۳، قدرت^۴، تفریح^۵ و نیاز به بقا^۶ - متولد می شوند و تمامی رفتارهای افراد از جمله رفتار های زناشویی در جهت تأمین این نیازها است.

میزان اهمیت و الویت این پنج نیاز از فردی به فردی دیگر متفاوت است و آگاهی افراد از الگوی منحصر به فرد نیازهای اساسی خود، می تواند نقش مهمی در اتخاذ انتخاب های سالم و سازنده در زندگی فردی و اجتماعی افراد

داشته باشد [۱۱ و ۱۲]. برای نمونه، افرادی که دارای درجات بالای نیاز به آزادی باشند، بیشتر در معرض تعارضات و نارضایتی در روابط بین فردی عمیق خود به خصوص روابط زناشویی قرار می گیرند؛ افزون بر این، نیازهای عشق و تعلق و تفریح در رضایت زناشویی نقش مؤثری ایفا می کنند و هر چقدر در افراد بالاتر باشند، موجب بهبود بیشتر رضایت زناشویی آن ها می شوند [۱۲ و ۱۳]. گلاسر معتقد است در صورتی که زوج ها درک کنند تحت تاثیر پنج نیاز اساسی خود هستند و از ابتدای زندگی برای ارضای این نیازها تلاش کنند، در بهبود روابط زناشویی پیشرفت چشمگیری خواهند داشت [۹ و ۱۰] و رضایت زناشویی بیشتری را تجربه خواهند کرد [۱۴]. افزون بر این، آگاهی همسر از شدت نیازهای شریک خود و احساس مسئولیت در برابر رفع نیازهای او می تواند نقش مهمی در ایجاد و بهبود روابط صمیمی ایفا کند [۱۵]. با این وجود در نظریه انتخاب نحوه ارضای نیازها کاملاً تحت تاثیر پدیده ای ادراکی به نام "دنیای کیفی" قرار دارد. دنیای کیفی حاوی تصاویر ذهنی، از ایده آل ها، باورها، اشیاء و توقعاتی است که ما از روابط، اتفاقات، اشیاء و افراد در ذهن خود داریم. این دنیای کیفی چهارچوب ذهنی کاملاً شخصی را برای افراد تشکیل می دهد که بر اساس آن ما مطلوب را از نامطلوب و خوب را از بد جدا می کنیم و منشأ سازگاری یا ناسازگاری در روابط اجتماعی از جمله روابط زناشویی است [۱۲]. گلاسر معتقد است که برای تقویت پایه های زناشویی بهتر است که همسران، خواسته ها و تصاویر دنیای کیفی خود را با هم در میان بگذارند و آنچه را می خواهند بدون ترس و واهمه با یکدیگر مطرح کنند.

سازمان بهداشت جهانی و به تبع آن پنجمین ویرایش راهنمای تشخیصی - آماری اختلالات روانی (۲۰۱۳)^۷ در روند توسعه تعاریف قبلی، سلامت روان انسان را دارای چهار بُعد زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی معرفی کرده اند. بر این اساس اگرچه نظریه انتخاب ویلیام گلاسر همپوشانی مفهومی زیادی با سه مورد از ابعاد چهارگانه سلامت روان دارد، اما به طور مستقیم توجه کافی به بُعد "معنویت" موثر بر سلامت روان مبذول نکرده است. این در حالی است که اهمیت توجه به معنویت و رشد معنوی در تأمین سلامت روان به طور روزافزونی توجه روان شناسان و متخصصان حوزه بهداشت روان را به خود جلب کرده است [۱۶].

¹ Glasser

² Love and belonging

³ Freedom

⁴ Power

⁵ Fun

⁶ Survival

⁷ DSM-5 (2013)

مذهب با بهبود بخشیدن سرمایه اجتماعی در افرادی که نیاز به تعلق دارند کمک می‌کند این نیاز خود را ارضا کنند [۳۱]. علاوه بر این‌ها، هنگامی که همسران به روابط خود جنبه تقدس می‌دهند- یعنی رویدادهای زندگی را بامعنا و دارای اهمیت معنوی درک می‌کنند- رضایت زناشویی بیشتر و تعارضات کمتری تجربه می‌کنند و بهتر می‌توانند مشکلات موجود در رابطه زناشویی را حل کنند [۲۰]. زیرا نگرش‌های مذهبی می‌تواند زندگی خانوادگی را تقویت کرده، باعث نزدیکی و صمیمیت زوج‌ها به عنوان فرآیند توانایی همسران برای ارتباط و حل تعارض، احساس نزدیکی به همسر و سهیم شدن در تجارب یکدیگر شود [۳۲، ۳۳، ۳۴]. افزون بر این، نگرش‌های مشترک مذهبی در زوج‌ها با ایجاد آرامش، همدلی و درک متقابل و کاهش هیجان‌های منفی مانند ناامیدی، ترس و خشم باعث صمیمیت بیشتر می‌شود [۳۵].

در واقع اگرچه نظریه انتخاب را نمی‌توان مستقیماً جزو رویکردهای شناختی قرار داد، اما تاکید اصلی این نظریه بر مفهوم "دنیای خیالی" که حاکی از تاکید آن بر جنبه‌های تصویری و پندار ذهنی است را می‌توان شناختی با تلویحات فراشناخت تلقی کرد و با توجه به وجود مؤلفه‌های بارز شناختی در سازه "معنویت" و نقش گزارش شده آن در پاسخ به نیازهای اساسی انسان، متأثر از توجه مفهومی نظریه انتخاب به فرایندهای این ایده در مطالعه حاضر پذیرفته شد که می‌توان در چارچوب "نظریه انتخاب" نقش میانجی "معنویت" را به عنوان یک سازه دارای مؤلفه‌های شناختی در رابطه بین ارضا نیازهای اساسی و رضامندی زناشویی بررسی کرد

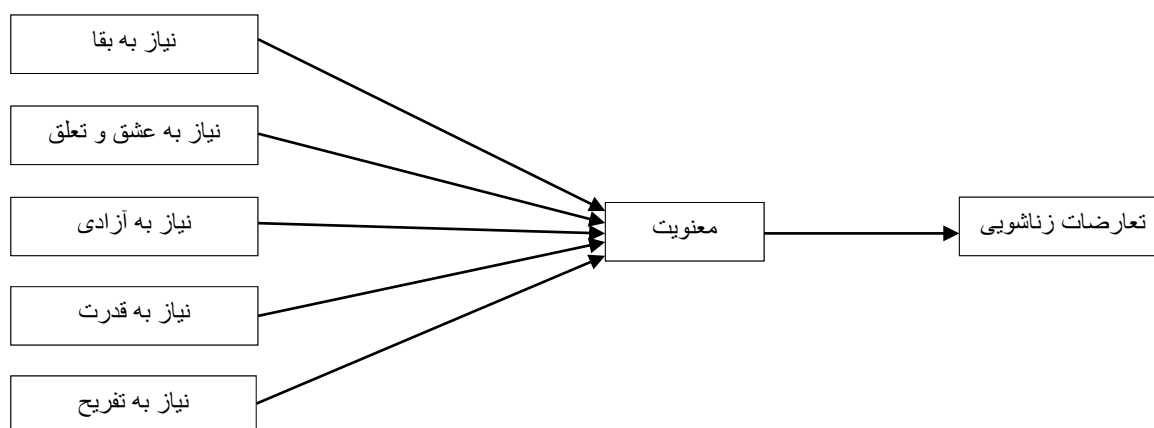
به این ترتیب و با در نظر گرفتن رابطه‌های گزارش شده بین "نحوه پاسخ متقابل همسران به نیازهای اساسی یکدیگر" و "میزان تعارض زناشویی بین آنها" و نیز رابطه گزارش شده بین "تجربه معنوی همسران" با "تعارضات زناشویی آنها"، این پژوهش به دنبال بررسی نقش میانجی "سازه معنویت" در رابطه موجود بین "نحوه پاسخ به نیازهای اساسی همسر" با "میزان تعارضات زناشویی بین آنها" بوده است. مدل پیشنهادی که بر اساس شواهد نظری و استدلال منطقی در مورد رابطه بین متغیرهای مورد نظر پیشنهاد و در این مطالعه مورد آزمون قرار گرفت، در شکل ۱ نشان داده شده است:

در حوزه سازگاری زناشویی نیز مطالعات متعدد نشان داده‌اند که معنویت نقش بسیار مهمی در رضایتمندی و تعهد زناشویی همسران ایفا می‌کند [۱۷ و ۱۸]. بسیاری از صاحب نظران به معنویت به عنوان بُعد متحد ساز عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری در روابط زناشویی نگاه می‌کنند [۱۹]. به گونه‌ای که تأثیری مثبت بر کیفیت روابط زناشویی دارد که ثبات زناشویی، تعهد، عملکرد و انسجام زناشویی را تسهیل می‌کند و تحمل افراد را در تعارضات زناشویی بالا می‌برد [۲۰]. معنویت به عنوان نیاز درونی آدمی برای اتصال به منبعی بزرگ‌تر [۲۱]، نیاز به فراتر رفتن از خود در زندگی و یکپارچه شدن با وجودی متعالی تر از خود است که منجر به تجربه فرارفتن از خویشتن می‌شود [۲۲] و نیز بُعد فراروندگی^۱ آن نشانگر وجود نیازی برای معنا است که می‌تواند مولفه‌های مذهبی یا فلسفی داشته باشد [۲۳]. این نیاز در روابط زناشویی و به ویژه در بروز یا حل تعارضاتها نقش عمده‌ای دارد؛ به گونه‌ای که به اعتقاد فیلسینگر و ویلسون^۲ [۲۴] هر چه افراد مذهبی‌تر باشند بهتر می‌توانند نیازها و انتظاراتشان را با همسر خود تطبیق دهند و با ازدواج و تغییرات ناشی از آن سازگار شوند.

مطالعات نشان داده است که خودشناسی و آگاهی افراد از جهان و هستی پیرامونشان به عنوان مولفه‌های معنویت [۲۵] با شرکت در فعالیتهای اجتماعی مذهبی افزایش می‌یابد [۲۶] از این روست که انگیزه پیوندجویی با دیگران اغلب می‌تواند مقدمه‌ای برای جستجوی مذهب باشد [۲۷]. از آن سوی، گزارش هائی در دست است که رابطه مثبتی را بین عمل به آموزه‌های دینی و میزان صمیمیت و مشارکت اجتماعی انسان‌ها نشان داده اند. به عنوان مثال نشان داده شده است که هر چه میزان عمل به باورهای دینی در زنان بالاتر باشد، صمیمیت بیشتری نیز با همسر خود تجربه می‌کنند [۲۸]. یافته‌ها حاکی از آن است که افراد دارای صمیمیت بالا در هنگام تلاش برای حل مشکلات بین فردی، انعطاف پذیری بیشتری در قوانین و قواعد مورد قبولشان نشان داده و در روابط صمیمی آزادی بیشتری در رابطه با همسر خود احساس می‌کنند [۲۹]. باورهای وجودی صرف نظر از اینکه افراد خود را مذهبی بدانند یا معنوی، نقش مهمی در زندگی به ویژه ارتباط با نزدیکان ایفا می‌کند، زیرا برای فرد یک هدف یا معنای غایی فراهم می‌کند [۳۰].

¹ Transcendent

² Filsinger & Wilson



شکل ۱. نمودار مسیر مدل تعارضات زناشویی بر پایه نیازهای اساسی به واسطه سازه معنویت

ابزارهای پژوهش

۱) پرسشنامه تعارضات زناشویی^۱ ([۳۷]: یک ابزار خودگزارش‌دهی و شامل ۴۲ سؤال است که توسط براتی و ثنائی [۳۷] و براساس تجارب بالینی در ایران به منظور سنجیدن ماهیت و میزان تعارضات زن و شوهر ساخته شده است. این پرسشنامه از ۷ خرده مقیاس شامل؛ کاهش رابطه جنسی؛ افزایش جلب حمایت فرزند؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود؛ کاهش رابطه فردی با خویشاوندان و دوستان همسر؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر و افزایش واکنش‌های هیجانی تشکیل شده است.

حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. گزینه‌ها در مقیاس‌درجه بندی پاسخ ۵ رتبه ای (همیشه، اکثراً، گاهی، به ندرت، هرگز) از نوع لایکرت نمره‌گذاری می‌شود. براتی و ثنائی ضریب آلفای کرونباخ برای نمره کل مقیاس را ۰/۵۳، و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۳۰ و ۰/۶۴ [۳۷]، نیکخواه فرزانه و همکاران برای کل مقیاس ۰/۷۴، و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۶۳ و ۰/۷۱، و در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و خرده مقیاس‌ها بین ۰/۸۲ و ۰/۹۵ به دست آمد. گه یافته‌های دو گزارش اخیر از همسانی درونی قابل قبول آزمون حکایت دارد.

۲) پرسشنامه نیازهای اساسی گلاسر (آزمون سازگاری نیازهای اساسی صاحبی): این پرسشنامه یک ابزار مبتنی بر روش خودگزارشی است که توسط صاحبی بر اساس کارهای برنز و همکاران (۲۰۰۶) بر مبنای تئوری انتخاب (گلاسر، ۲۰۰۰) برای ارزیابی شدت نیازهای اساسی افراد ترجمه و معرفی شده است. این مقیاس دارای ۷۰ سؤال است که در ۵ خرده مقیاس شامل نیازهای بقاء، عشق/ تعلق، قدرت، آزادی، تفریح (۱۴ سؤال برای هر خرده مقیاس) توزیع شده

روش

نوع پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش یک طرح توصیفی / همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) بود.

آزمودنی

الف) جامعه آماری: جامعه آماری این مطالعه، دانشجویان دانشگاه آزاد و جمعیت آماری آن نیز شامل دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ دانشگاه‌های آزاد مستقر در شهر تهران بودند.

ب) نمونه پژوهش: حجم نمونه بر پایه روش بسیار متداول و تأیید شده $N:q$ برای مطالعات مبتنی بر معادلات ساختاری تعیین شده که در آن N معرف تعداد مشاهده‌ها و q معرف تعداد پارامترهایی است که باید در مدل برآورد شود. این نسبت در اکثر مطالعات [۳۶]، ۱۰ به ۱ (۱۰ مشاهده برای هر پارامتر) تعیین شده است. با توجه به اینکه در مطالعه حاضر برای کامل‌ترین مدل حداکثر ۱۵ پارامتر برآورد می‌شود و نیز با در نظر گرفتن ۱۰ درصد افت نمونه‌برداری، به دلیل تعدد ابزار اندازه‌گیری، تعداد جلسه‌های تکمیل پرسشنامه‌ها و احتمال مخدوش یا ناقص بودن آن‌ها، حجم گروه نمونه حداقل برابر با ۱۷۰ نفر تعیین شده و بر اساس آن و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و در داخل هر خوشه بر اساس روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، نمونه‌ای شامل ۱۷۲ دانشجو (۱۳۱ زن و ۴۱ مرد) در دامنه سنی ۱۹ تا ۵۷ سال و میانگین سنی ۳۳ سال، انتخاب شدند.

¹ Marital Conflict Questionnaire (MCQ)

نمازخانه، رستوران و یا قبل و بعد از حضور اساتید در کلاس های درس، از دانشجویان متاهلی که حاضر به مشارکت بوده و واجد معیار های شمول و عدم شمول بودند خواسته شد تا پرسشنامه ها را تکمیل کنند.

شیوه تحلیل داده ها

داده های گردآوری شده در مرحله اندازه گیری متغیرها، برای محاسبه آماره های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و چولگی، تعیین ضرایب اعتبار درونی مجموعه پرسش ها در گروه های مختلف از طریق فرمول کلی ضریب آلفای کرونباخ، تعیین مقدار و جهت رابطه متغیرهای پژوهش با یکدیگر بوسیله محاسبه شاخص همبستگی پیرسون، و برای پاسخ به پرسش پژوهش و آزمون برازندگی مدل از طریق روش مدل بای معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) با استفاده از نرم افزار آماری اس پی اس ۲۲^۱ پردازش شد.

نتایج

کلاین [۴۰] تاکید می کند که در استفاده از روش مدل بای معادلات ساختاری، قبل از تحلیل داده ها، بررسی مفروضه های زیربنایی این روش ضروری است. به این منظور در مطالعه حاضر از "آزمون های الگوی روابط ساختاری" شامل بررسی "بهنجاری چند متغیری"، "خطی بودن روابط موجود بین نشانگر و متغیر مکنون و متغیرهای مکنون با یکدیگر"، "هم خطی چندگانه" و "آزمون مدل اندازه گیری" استفاده شده و مشخص شد که مقادیر گم شده کمتر از آن است که نتایج را مشکل دار کند. "چولگی و کشیدگی داده ها" نیز بین مثبت و منفی ۲ قرار داشته و با احتمال ۵٪ از توزیع بهنجار برخوردارند، نمودارهای پراکندگی نیز نشان داده اند که رابطه بین "نشانگر و متغیر مکنون" و "متغیر های مکنون با یکدیگر" خطی است و بالاخره اینکه آماره های "تحمل" و "عامل تورم واریانس"، انحرافی از مفروضه چندگانگی نشان نمی داد. بنابر این استفاده از روش معادلات ساختاری در پردازش داده های این مطالعه امکان پذیر بود. در ادامه شاخص های آمار توصیفی، استنباطی و نتایج معادلات ساختاری آورده شده است. افزون بر این، تعارضات زناشویی با نیازهای اساسی رابطه منفی و معنادار ($r = -0/18$)، $p < 0/05$ دارد؛ در نتیجه می توان گفت در افرادی که شدت نیازها بیشتر است؛ تعارضات زناشویی نیز کمتر دیده می شود. رابطه بین معنویت و نیازهای اساسی مثبت و معنادار ($r = 0/46$)، $p < 0/01$ است.

اند. گزینه ها در یک مقیاس درجه بندی پاسخ ۵ رتبه ای (همیشه، اکثراً، گاهی، به ندرت، هرگز) از نوع لیکرت نمره گذاری می شود. دامنه امتیاز برای فرد در کل آزمون بین ۲۵ تا ۳۵۰ و در هر خرده آزمون بین ۵ تا ۷۰ قابل تغییر است. در یک مطالعه ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ گزارش گردیده است [برنز و همکاران، ۲۰۰۶]. ضریب آلفای کرونباخ به عنوان شاخصی از همسانی درونی مقیاس معادل ۰/۹۲ و برای خرده مقیاسها به ترتیب ۰/۷۱ برای بقاء، ۰/۶۹ برای عشق و تعلق، ۰/۶۹ برای قدرت، ۰/۷۵ برای آزادی و ۰/۷۱ برای تفریح گزارش شده است [۳۸]. در مطالعه ای دیگر ضریب بازآزمایی به عنوان یک شاخص روایی برای کل آزمون معادل ۰/۸۱ و برای خرده مقیاسها به ترتیب ۰/۴۴ برای بقاء، ۰/۴۸ برای عشق و تعلق، ۰/۶۱ برای قدرت، ۰/۶۴ برای آزادی و ۰/۶۴ برای تفریح گزارش شده است (فتحی، رضای پور و یاقوتی آذر، ۱۳۸۹). ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش حاضر نیز معادل ۰/۹۳ به دست آمد. این نتایج را می توان حاکی از همسانی درونی بالای آزمون دانست.

۳) پرسشنامه معنویت [۳۹]: این پرسشنامه توسط پاریسیان و دانینگ به منظور ارزیابی اهمیت معنویت در زندگی افراد و سنجش ابعاد مختلف آن ساخته شد. این مقیاس یک ابزار خودگزارشی است و فرد باید در طیف لیکرت ۴ درجه ای (از کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۴) میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را مشخص سازد. این پرسشنامه دارای ۲۹ آیتم بوده و ۴ زیرمقیاس خودآگاهی، اهمیت اعتقادات معنوی در زندگی، فعالیت های معنوی و نیازهای معنوی را ارزیابی می کند.

پاریسیان ضریب آلفای کلی پرسشنامه را ۰/۹۴ و ضریب آلفای زیرمقیاسها را بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۱ به دست آورد که بیانگر همسانی درونی کلی پرسشنامه است. همچنین تحلیل عاملی مولفان، بیانگر اعتبار سازه مناسب این پرسشنامه بوده است. ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس در پژوهش حاضر ۰/۸۷ به دست آمد. [۳۹]

شیوه انجام پژوهش

بر اساس طرح پژوهش، دانشگاه آزاد رودهن و واحد های چهارگانه دانشگاه آزاد مستقر در شهر تهران به عنوان واحد های نمونه گیری تعیین و سپس پژوهشگر به منظور گردآوری داده ها با معرفی نامه رسمی به دانشگاه های مذکور مراجعه و پس از هماهنگی با اداره آموزش دانشگاه ها و اخذ مجوز حضور در محل تجمع دانشجویان در سالن ورزش،

^۱ SPSS-22

افزون‌براین، تعارضات زناشویی با نیازهای اساسی رابطه منفی و معنادار ($r = -0/18$ ، $p < 0/05$) دارد؛ در نتیجه می‌توان گفت در افرادی که شدت نیازها بیشتر است؛ تعارضات زناشویی نیز کمتر دیده می‌شود. رابطه بین معنویت و نیازهای اساسی مثبت و معنادار ($r = 0/46$ ، $p < 0/01$) است، بدین ترتیب، با افزایش معنویت، شدت نیازهای اساسی افزایش می‌یابد.

همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود: همبستگی میان "تعارضات زناشویی" با "معنویت" و نیز با میزان ارضا شدگی در نیازهای اساسی "عشق/ تعلق خاطر" و "تفریح" منفی و معنادار است.

جدول ۱. مشخصه‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی
۱ تعارضات زناشویی	۷۷/۰۲	۲۰/۹۶	۱/۶۴
۲ معنویت	۹۰/۶۳	۱۰/۸۸	-۰/۲۴
۳ نیاز به بقا	۵۰/۶۳	۷/۰۶	-۰/۳۲
۴ نیاز به عشق و تعلق خاطر	۵۵/۲۳	۷/۸۵	-۰/۷۷
۵ نیاز به آزادی	۵۲/۴۱	۷/۲۱	-۰/۱۴
۶ نیاز به قدرت	۵۱/۵۵	۸/۱۲	-۰/۲۸
۷ نیاز به تفریح	۵۱/۷۰	۸/۳۷	-۰/۴۱
۸ نمره کل نیازهای اساسی	۲۶۱/۵۳	۲۹/۲۳	-۰/۵۹

جدول ۲. ماتریس همبستگی تعارضات زناشویی، معنویت و نیازهای اساسی

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱ تعارضات زناشویی	-						
۲ معنویت	۰/۲۳*	-					
۳ نیاز به بقا	۰/۰۴	۰/۳۳**	-				
۴ نیاز به عشق و تعلق خاطر	۰/۰۲*	۰/۳۰**	۰/۳۸**	-			
۵ نیاز به آزادی	۰/۱۳	۰/۴۱**	۰/۴۱**	۰/۵۰**	-		
۶ نیاز به قدرت	۰/۱۲	۰/۴۱**	۰/۳۶**	۰/۵۳**	۰/۶۲**	-	
۷ نیاز به تفریح	۰/۲۲*	۰/۳۰**	۰/۳۳**	۰/۴۸**	۰/۵۱**	۰/۵۲**	-
	* $P < 0/05$						** $P < 0/01$

علی بین متغیرهای پژوهش، مدل اصلی پژوهش (شکل ۱) بر اساس آزمون اثر غیرمستقیم مولفه‌های نیازهای اساسی (بقا، عشق/ تعلق خاطر، آزادی، قدرت و تفریح) با واسطه‌گری معنویت بر تعارضات زناشویی به عنوان متغیر درونزا (وابسته) بررسی شد. برای این منظور مدل تحلیل مسیر (شکل ۱) اجرا و مشخصه‌های آماری همراه با شاخص‌های برازش آن برآورد شد که در جدول ۳ نشان داده شده است.

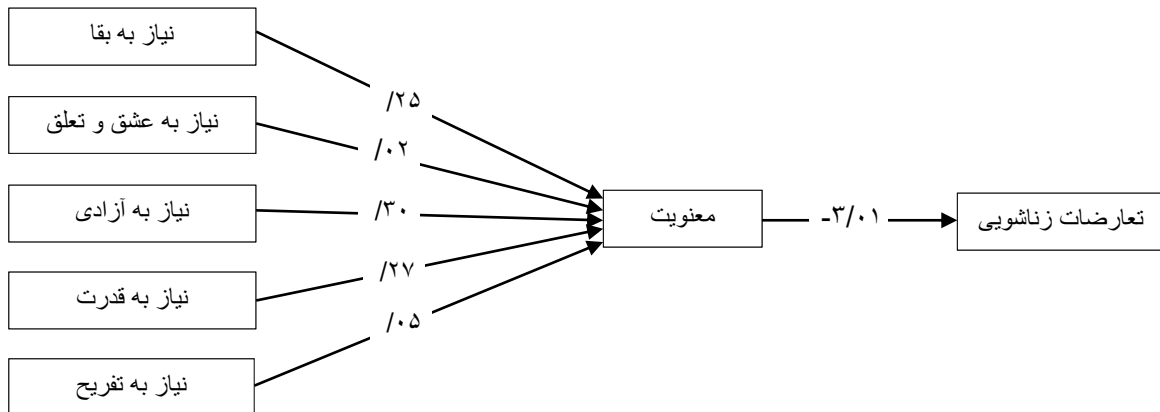
همبستگی میان "معنویت" با "هر یک از پنج نیاز اساسی" و همبستگی میان "هر یک از پنج نیاز اساسی" با یکدیگر نیز همگی مثبت و معنادار است. به این ترتیب و بنابر معیار پیشنهادی جود و کنی^۱ [۴۱] مبنی بر ضرورت وجود رابطه همبستگی مستقیم بین دو متغیر مستقل و وابسته به عنوان پیش شرط بررسی روابط علی، می‌توان گفت که شرط مذکور برقرار بوده و استنباط‌های علی از داده‌ها مقذور می‌باشد. به منظور تعیین روابط

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی مدل تعارضات زناشویی برپایه نیازهای اساسی

مدل	χ^2	Df	χ^2 / df	P	GFI	AGFI	CFI	RMSEA
مدل اصلی	۷/۵۲	۵	۱/۵۰	۰/۱۸۵	۰/۹۳	۰/۸۷	۰/۹۲	۰/۰۵۵
مدل تعدیل‌یافته (نهایی)	۰/۸۲	۳	۰/۲۷۳	۰/۸۴۶	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۹۸	۰/۰۰۷

^۱ Judd & Kenny

با $0/32$ و کمتر از مقدار این شاخص برای مدل اشباع شده ($0/34$) است. مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برای مدل اصلی برابر با $0/05$ به دست آمد که نشان می‌دهد تقریباً ۵ درصد واریانس تعارضات زناشویی برپایه نیازهای اساسی تبیین می‌شود. مقدار مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برای معنویت $0/23$ به دست آمد که نشان می‌دهد ۲۳ درصد واریانس معنویت بر پایه نیازهای اساسی تبیین می‌شود.



شکل ۲. نمودار مسیر مدل تعارضات زناشویی برپایه نیازهای اساسی

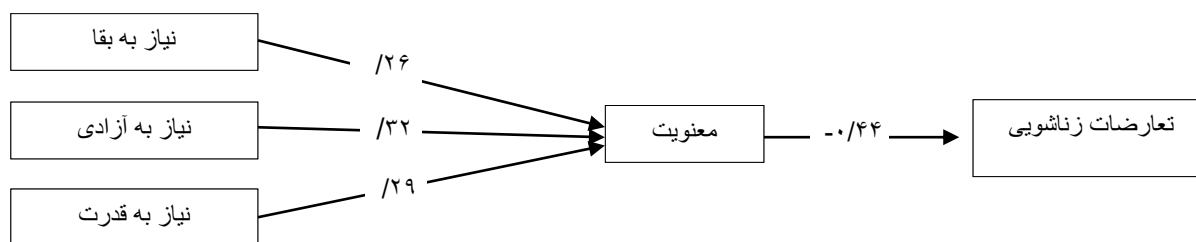
بر تعارضات زناشویی از طریق معنویت به دست آید. برای این منظور برای مدل نهایی مطالعه، تحلیل مسیر (شکل ۲) اجرا و مشخصه‌های آماری همراه با شاخص‌های برازش آن برآورد شد که در جدول ۳ نشان داده شده است.

چنانکه در جدول ۳ دیده می‌شود، همه شاخص‌های برآورد شده نشان می‌دهد که مدل از برازش بسیار خوبی با داده‌ها برخوردار است. مجذور کای ($0/82$) از لحاظ آماری معنادار نیست و نسبت آن به درجه آزادی نیز ($0/273$) با ملاک‌های پیشنهادی مطابقت دارد. شاخص‌های GFI ، GFI و CFI نیز کاملاً بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها است. شاخص روایی متقاطع مورد انتظار ($ECVI$) مدل برابر با $0/16$ و کمتر از مقدار این شاخص برای مدل اشباع شده ($0/18$) است. مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برای مدل تعدیل یافته (نهایی) برابر با $0/05$ به دست آمد که نشان می‌دهد تقریباً ۵ درصد واریانس تعارضات زناشویی برپایه نیازهای اساسی تبیین می‌شود. مقدار مجذور همبستگی چندگانه (R^2) برای معنویت $0/23$ به دست آمد که نشان می‌دهد ۲۳ درصد واریانس معنویت بر پایه نیازهای اساسی تبیین می‌شود.

چنانکه در جدول ۳ دیده می‌شود، همه شاخص‌های برآورد شده نشان می‌دهد که مدل از برازش بسیار خوبی با داده‌ها برخوردار است. مجذور کای ($7/52$) از لحاظ آماری معنادار نیست و نسبت آن به درجه آزادی نیز ($1/50$) با ملاک‌های پیشنهادی مطابقت دارد. شاخص‌های GFI ، GFI و CFI نیز کاملاً بیانگر برازش مناسب مدل با داده‌ها است. شاخص روایی متقاطع مورد انتظار ($ECVI$) مدل برابر

چنانکه در شکل ۲ دیده می‌شود ضریب مسیر بین "نیاز به بقا" و "معنویت" ($\gamma_1 = 0/25$) از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد هر چه سطح "معنویت" در افراد بالاتر باشد "نیاز به بقا" در آن‌ها شدیدتر است. ضریب مسیر بین "نیاز به عشق / تعلق خاطر" و "معنویت" $0/02$ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار نیست. ضریب مسیر بین "نیاز به آزادی" و "معنویت" ($\gamma_1 = 0/30$) از لحاظ آماری معنادار است؛ بنابراین هر چه سطح "معنویت" در افراد بالاتر باشد "نیاز به آزادی" در آن‌ها بیشتر است. ضریب مسیر بین "نیاز به قدرت" و "معنویت" ($\gamma_1 = 0/27$) از لحاظ آماری معنادار است؛ بنابراین هر چه سطح "معنویت" در افراد بالاتر باشد "نیاز به قدرت" در آن‌ها بیشتر است. ضریب مسیر بین "نیاز به تفریح" و "معنویت" $0/05$ به دست آمد که از لحاظ آماری معنادار نیست. ضریب مسیر بین "معنویت" به عنوان متغیر میانجی با "تعارضات زناشویی" نیز معنادار ($\gamma_2 = -0/44$) است که نشان می‌دهد با افزایش "معنویت"، "تعارضات زناشویی" کاهش می‌یابد.

با توجه به یافته‌های مندرج در جداول فوق می‌توان نتیجه گرفت که اثر "نیاز به عشق / تعلق خاطر" و "نیاز به تفریح" بر "معنویت" از لحاظ آماری معنادار نیست؛ بنابراین، مدل با حذف اثر این دو مؤلفه، مجدد بررسی شد تا از این طریق تأثیر مؤلفه‌های نیاز به بقا، نیاز به آزادی و نیاز به قدرت



شکل ۳. نمودار مسیر مدل تعارضات زناشویی بر پایه نیاز به بقا، نیاز به آزادی و نیاز به قدرت

نتیجه مطالعه خود را گزارش کرده و در مورد جامعه، جمعیت، روش و تعداد نمونه و ابزار مورد استفاده اطلاعاتی در اختیار نگذاشته‌اند، نمی‌توان به شکل مستدل به ارزیابی علل تفاوت‌ها پرداخت. تفاوت یافته‌های این مطالعه با گزارش وزیری نیز می‌تواند متأثر از تفاوت در روش نمونه‌گیری، تعداد نمونه و نیز ابزار مورد استفاده‌ی آنها باشد. در مطالعه وزیری از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است که در کنار تعداد کمتر نمونه‌ی مورد بررسی، می‌تواند باعث ایجاد سوگیری در داده‌ها و بنابراین در یافته‌ها شده باشد. در عین حال تفاوت ابزارهای سنجش وضعیت زناشویی در این دو مطالعه نیز فرض یکی نبودن سازه‌های بنیادین مورد سنجش در دو پژوهش را قابل قبول می‌کند.

همچنین نتایج نشان داد بین نیازهای بقا، آزادی و قدرت با معنویت رابطه مثبت وجود دارد. رابطه نیاز به بقا و معنویت با نتایج پژوهش کرمانی و دانش [۴۲] مبنی بر وجود رابطه معکوس بین ارضای جنسی - به عنوان جنبه‌ای از نیاز به بقا - با نگرش مذهبی در بین افراد با نگرش مذهبی بالا همخوان است. پژوهشگران معتقدند که این پدیده به این دلیل است که عموماً افراد دارای نگرش مذهبی بالا به دلیل اینکه اغلب نگرش منفی نسبت به جنبه‌های جنسی رابطه زناشویی دارند، روابط جنسی را امری بد و نادرست می‌دانند و صحبت کردن درباره آن را گناه تلقی می‌کنند که این نگرش، می‌تواند اثر ناخوشایندی بر زندگی زناشویی آنها به جای بگذارد [۴۲]. در تبیین رابطه نیاز آزادی با معنویت نیز می‌توان گفت هر چه میزان عمل به باورهای دینی در زنان بالاتر باشد، آنها صمیمیت بیشتری با همسر خود تجربه می‌کنند [۲۸] و در روابط صمیمی افراد آزادی بیشتری در روابط خود با همسر احساس می‌کنند [۲۹].

افزون بر این، نتایج نشان داد میان معنویت و تعارضات زناشویی رابطه منفی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های اولسون و همکاران [۳۳]، خدادادی، رضایی و عبداللهی [۳۴] و ماهونی و همکاران [۲۰] همسو است، زیرا معنویت تحمل افراد را در تعارضات زناشویی بالا می‌برد و هنگامی که همسران به روابط خود جنبه مقدس می‌دهند یعنی برای رابطه خود معنا و اهمیت معنوی قائل می‌شوند،

چنانکه در شکل ۳ دیده می‌شود ضریب مسیر بین "نیاز به بقا" و "معنویت" ($\gamma_1 = 0.26$) از لحاظ آماری معنادار است که نشان می‌دهد هر چه سطح "معنویت" در افراد بالاتر باشد "نیاز به بقا" در آنها شدیدتر است. ضریب مسیر بین نیاز به آزادی و معنویت ($\gamma_1 = 0.32$) از لحاظ آماری معنادار است؛ بنابراین هر چه سطح معنویت در افراد بالاتر باشد نیاز به آزادی در آنها بیشتر است. ضریب مسیر بین نیاز به قدرت و معنویت ($\gamma_1 = 0.29$) از لحاظ آماری معنادار است؛ بنابراین هر چه سطح "معنویت" در افراد بالاتر باشد "نیاز به قدرت" در آنها بیشتر است. ضریب مسیر بین "معنویت" به عنوان متغیر میانجی با "تعارضات زناشویی" نیز معنادار (-0.44) = γ_2) است که نشان می‌دهد با افزایش معنویت، تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تدوین و آزمون مدلی بود که بر پایه آن نقش میانجی معنویت در رابطه با نیازهای اساسی و تعارضات زناشویی تبیین شود. نتایج نشان داد رابطه معناداری بین دو نیاز "عشق/ تعلق خاطر" و نیاز به "تفریح" با "تعارضات زناشویی" وجود ندارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های گلاسر و گلاسر [۱۲]، سلطانی‌فر و همکاران [۱۴] و وزیری [۱۳] همخوانی ندارد. تفاوت در یافته‌های این پژوهش با نتایج گزارش سلطانی‌فر و همکاران [۱۴] را می‌توان به تفاوت جمعیت مورد مطالعه نسبت داد. پژوهش مذکور بر روی ۵۰ سوءمصرف کننده مواد که برای درمان به کلینیک مراجعه می‌کردند، انجام شده بود، در حالی که جمعیت نمونه حاضر را دانشجویان تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد که تخریب تدریجی سایر نیازهای اساسی و حتی نیازهای معنوی افراد مبتلا به اعتیاد به مواد به نفع نیازهای منبعث از ضرورت تأمین مواد و اجتناب از عوارض محرومیت از آن، نقش مهمی در تغییر روابط بین توجه به نیازهای اساسی همسر با تعارضات زناشویی بین آنها داشته باشد.

در مورد تفاوت یافته‌های این پژوهش با مطالعه گلاسر و گلاسر [۱۲] به دلیل اینکه گلاسر در کتاب خود که در ایران به نام ازدواج بدون شکست ترجمه شده است، صرفاً

- 3- Zeidner, M., Kloda, I. (2013). Emotional intelligence (EI), conflict resolution patterns and relationships satisfaction, actor and partner effect revisited. *Pers Individ Diff*, 54, 278- 283.
- 4- Koerner, A. F. Fitzpatrick, M. A. (2002). You never leave your family in the fight: The impact of family of origin on conflict behavior in romantic relationship. *Commun Stud*. 53, 3, 234-251.
- ۵- آقا یوسفی، علیرضا. فتحی آشتیانی، علی. علی اکبری، مهناز. ایمانی، فر، علیرضا (۱۳۹۴). اثر بخشی ساختارگرایی بر تعارضات زناشویی، سبک‌های اسناد و بهزیستی اجتماعی. دو فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی بالینی و شخصیت. دوره ۱۳، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۲۸.
- 6- Greeff. A. P, Bruyne. T. D. (2011). Conflict management style and marital satisfaction. *J Sex Marriage Ther*. 2, 321- 334.
- 7- Maier, Candice. A. Priest, Jacob. B. (2016). Perceived fairness, marital conflict, and depression: A dyadic data analysis. *The American Journal of Family Therapy* 44, 2, 95-109
- 8- Darling, Nancy. Cohan Catherine. L, Burns. Andrew. Thompson, Louisa. (2008). Within-family conflict behaviors as predictors of conflict in adolescent romantic relations. *Journal of Adolescence*. 31, 6, pp 671-690.
- 9- Glasser, W. (1998). Choice theory, A new psychology of personal freedom. New York: Harper Collins Publisher.
- 10- Glasser, W. (2000). Counseling with choice theory: The new Reality Therapy; New York, Harper Collins Publisher.
- 11- Glasser, W. (1995). Staying together. New York: Harper Perennial.
- 12- Glasser, W. & Glasser, C. (2000). Getting together and staying together. New York: HarperCollins Publishers Inc.
- ۱۳- وزیر، مزده. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوج‌ها براساسی آن‌ها. *رویش روانشناسی*، ساله ۳، شماره ۴. صص ۸۷-۹۶.
- 14- Soltanifar, Atefeh. Adinehpour, Moosalreza. Borhani, Mahdieh. & Ziaee, maliheh. (2018). The relationship between satisfying the needs (based on the choice theory), quality of life and marital satisfaction among addict individuals who undergone treatment. *Fundamentals of Mental Health*. 20, 4, pp 271-277.
- 15- Brown, T. Stuart, S. (2012). Identifying basic needs: the contextual need assessment. *Int J Real Ther*. 24, 2, pp 7-10.

رضایت زناشویی بیشتر و تعارضات کمتری دارند و بهتر می‌توانند مشکلات موجود در رابطه را حل کنند [۲۰]. علاوه بر این‌ها، به نظر می‌رسد که افراد با معنویت بالا در روابط زناشویی خود تمرکز بیشتری بر جنبه‌های مثبت روابطشان نشان می‌دهند و تلاش می‌کنند تا برای موقعیت فعلی زناشویی و نیز همسر خود یک هدف و معنی کارآمدتر ساخته و صمیمیت و انسجام و توافق در روابط زناشویی‌شان را تقویت کنند [۲۹].

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهش

یکی از این محدودیت‌ها منبعث از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه است، زیرا این مطالعه تنها در میان دانشجویان انجام شده و تعمیم آن به سایر جمعیت‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. کاربرد مدل خطی برای بررسی روابط بین متغیرها و تدوین مدل مورد مطالعه یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش را تشکیل می‌دهد. با آن‌که استفاده از مدل معادلات ساختاری و نرم افزار لیزرل امکان بررسی و محاسبه رگرسیون چندین متغیر را به گونه هم‌زمان فراهم می‌آورد و روابط بین متغیرهای برونزا و درونزا و نیز متغیرهای میانجی را تبیین می‌کند، زیربنای ریاضی آن بر فرض روابط خطی استوار است. اما بی‌تردید، روابط بین متغیرهای روانی، محیطی و مانند آن‌ها الزاماً خطی نیست و می‌تواند تابع روابط غیر خطی باشد. عدم کنترل متغیرهای مزاحم چون تعداد فرزندان، سابقه کار، وضعیت اقتصادی زوجین... نیز می‌تواند یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش حاضر باشد. به منظور افزایش قدرت تعمیم اندازه و مدل‌ها و شناسایی بیشتر روابط بین متغیرها و مؤلفه‌های آن در گروه‌های مختلف، پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی از سایر گروه‌های سنی و جمعیت‌شناختی نیز نمونه معرف انتخاب و مورد مطالعه قرار گیرند.

منابع

- 1- Parisuz, A., Najarpourian, S. & Mohammadi, K. (2019). The Effect of Intensive Short-Term Dynamic Psychotherapy on Marital Conflicts and Interpersonal Processing of Married Women with Emotional Divorce. *Iranian Evolutionary and Educational Psychology Journal*. 1, 2, 112-122.
- 2- Wagner, A., & Grzybowski, L. S. (2014). Como os filhos percebem o relacionamento conjugal de seus pais? In D. M. Arpini, & S. D. Cúnico (Orgs.). *Novos olhares sobre a família: Aspectos psicológicos, sociais e jurídicos* (pp. 39-53). Curitiba: CRV.

- 16- وست، ویلیام. (۱۳۸۳). روان درمانی و معنویت، ترجمه شهریار شهیدی، سلطانعلی شیرافکن. تهران: انتشارات رشد.
- 17- Mahoney, A. (2010). Religion in families, 1999–2009: A relational spirituality framework. *Journal of Marriage and Family*, 72, 4, pp 805–827.
- 18- Agate, S. Zabriskie, R & Eggett, D. (2007). Praying, Playing and successful families. *Marriage and family Review*, 42, 2, pp 51-75.
- 19- Diblasio, Fa .Cheong R. (1997). Christ-like love and forgiveness in marital counseling: Theory and practice implications. *Marriage and Family: A Christian Journal*.
- 20- Mahoney, A. Pargament, K. I. Tarakeshwar, N. & Swank, A. B. (2001). Religion in the home in the 1980s and 90s: A meta-analytic review and conceptual analyses of links between religion, marriage and parenting. *Journal of Family Psychology*, 15, pp 559-596.
- 21- Wiggworth, C. (2012). SQ21: the twenty-one skills of spiritual Intelligence. BookBaby.
- 22- Friedman, H. & MacDonald, D. A. (2002). Using transpersonal tests in humanistic psuchological assessment. *The Humanistic Psychologists*, 30, 3, pp 223-236.
- 23- Baker, D. C. (2003). Studies of the inner life: The impact of spirituality on quality of life. *Quality of Life Research*, 12, pp 51-57.
- 24- Filsinger, Erik. E. & Wilson, Margaret. R. (1984). Religiosity, Socioeconomic Rewards, and Family Development: Predictors of Marital Adjustment. *Journal of Marriage & Family*. 46, 6, pp 63–70.
- ۲۵- ابراهیمی، شهین. (۱۳۹۰). رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی با رضایت از زندگی. پایان نامه کارشناسی ارشد. منتشر نشده. دانشگاه آزاد، بیرجند.
- 26- King, P. E. & Boyatzis, C. J. (2004). Exploring adolescent spiritual and religious development: Current and future theoretical and empirical perspectives. *Applied Developmental Science*, 8, 1, pp 2-6.
- 27- Hackney, C. H, & Sanders, G. S. (2003). Religiosity and mental health: A meta-analysis of recent studies. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 42, 1, pp 43–55.
- ۲۸- رضایی، جواد. احمدی، سید احمد. اعتمادی، عذرا. رضایی حسن‌آبادی، مریم. شهردوست، مریم. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش سبک زندگی اسلام محور با تأکید بر نظام خانواده بر صمیمیت زوجین اراک. *مطالعات روانشناختی*، دوره ۹، شماره ۳، صص ۷۹-۱۰۶.
- 29- Corkery, S. Curran, M & Parkman, A. (2011). Spirituality, Sacrifice and Relationship quality for expectant cohabiters. *Marriage & family Review*, 47, pp 345-362.
- 30- Selman, L. Beynon, T. Higginson, I. J. Harding, R. (2007). Psychological, social and spiritual distress at the end of life in heart failure patients. *Current Opinion in Supportive and Palliative Care*. 1, pp 260–266.
- 31- Okulicz-Kozaryn, Adam. (2010). Religiosity and life satisfaction across nations. *Mental Health, Religion & Culture*. 13, 2, pp 155-169.
- 32- Nazare, B. Fonseca, A. Gamberio, S. Canavarro, M. & Dattilio, F. (2011). Amniocentesis due to advanced maternal age: The role of marital intimacy in couples's decision making process. *Contemporary family therapy*, 33, pp 128-142.
- 33- Olson, D. H, Larson, P. J, Olson-Sigg. A. (2009). Couple checkup: Tuning up relationships. *J Couple Relatsh Ther*, 8, 2, pp 129-42.
- 34- Khodadi, Jvad. Rezaiee, Mohsen. Abdollahi, asghar. (2017). The Prediction of Marital Intimacy According to Religious Attitude and Family. *Health, Spirituality and Medical Ethics*, 5, 2, pp 38-44.
- 35- Fatima, M. Ajmal, M.A. (2012). Happy Marriage: A qualitative study. *Pak J Soc Clin Psychol*. 9, 2, pp 37-42.
- ۳۶- حبیبی، آرش. عدن‌ور، مریم. (۱۳۹۶). مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی (آموزش کاربردی نرم‌افزار LISREL). چاپ اول. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- 37- Barati, T. Sanai, B. (1996). Inventory marital conflict. Measures of family structure and marriage. Tehran: The Institute's Bethat Publications, pp 53-48.
- 38- Burns, M. K. Vance, Diane. Seadokierski, I & Stockwell, C. (2006). Student Needs Survey: A Psychologically Sound Measure of the Five Basic Needs. *International Journal of Reality Therapy*, 2, 7.
- 39- Parsian. N, Dunning.T (2009). Developing and validating a questionnaire to measure spirituality: A psychometric process. *Global journal of health science*, 1, 1, 2.
- 40- Kline. Rex B (2015). Principles and practice of structural equation modeling. Newyork: The guilford press.
- 41- Judd, C. M., & Kenny, D. A. (1981). Process analysis: Estimating mediation in treatment evaluations. *Evaluation Review*, 5, pp 602–619.

۴۲- کرمانی، عصمت. دانش، زهرا. (۱۳۹۰). تأثیر نگرش مذهبی و هیجان خواهی بر سازگاری زناشویی دبیران متأهل شهرستان پاکدشت. مطالعات روانشناختی. دوره ۷، شماره ۲. صص ۱۲۹-۱۵۴.